

به نام خدا

متافیزیک

از نگاه فیزیک

(زمان‌ها و جهان‌های موازی)

مؤلف: فرد آلن ولف و باب توین

مترجم: شهریار تقی‌شهرستانی

«نشر یاهو»

Toben, Bob

توبن، باب

مثنائیزیک از نگاه فیزیک: زمان‌ها و جهان‌های موازی / نویسنده باب توبن، فرد آلن ولف؛ مترجم شهریار تقی شهرستانی. -- تهران: پاهو، ۱۳۸۴.

ISBN 964-8486-10-7

Space-time and beyond: toward

عنوان اصلی:

an explanation.

له‌رست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. فضا و زمان. ۲. واقعیت. الف. ولف، فرد آلن، ۱۹۳۴ - م. Wolf, Fred Alan

ب. تقی شهرستانی، شهریار، مترجم. ج. عنوان.

۱۱۵/۱۹

ت ۹۶/۵۹/۱۷۳ QC

۱۳۸۳

۴۰۰۷۶-۸۳م

کتابخانه ملی ایران

متافیزیک از نگاه فیزیک
زمان‌ها و جهان‌های موازی
نویسنده: فرد آلن ولف و باب توین
مترجم: شهریار تقی‌شهرستانی
نظریه کارشناسی: شهاب شعری مقدم
حروفچین: سوسن سعیدلو
صفحه‌آرایی: یعقوب مصطفوی
طراحی جلد: جمهوره علیزاده
ناظر فنی: نوید فتحی‌افشار
تیراژ: ۳۰۰۰
قیمت: ۱۲۰۰ تومان
نوبت چاپ: اول
سال چاپ: ۱۳۸۴
شابک: ۹۶۴-۸۴۸۶-۱۰-۷
نشر یاهو

مجری طرح: مؤسسه فرهنگی اوامر یاسین

فهرست

۷	 مقدمه
۱۳	 ساختار فضا - زمان
۵۱	 پدیده‌های فوق طبیعی
۶۷	 ساختار انرژی
۹۵	 پس اینک
۹۷	 تفسیر علمی نوین از فرد آلف ولف
۱۵۱	 کتاب‌شناسی حاشیه‌ای و سایر مطالب

چند سال پیش که برای اولین بار این کتاب را خواندم، جدای از متن علم‌گرای آن که سعی دارد واقعیت‌های متافیزیکی مرتبط با انسان را با زبان فیزیک و بعضی از قوانین و فرضیه‌های آن شرح دهد، احساس کردم مؤلف کتاب خواسته یا ناخواسته چند پیام مهم را برای خوانندگان و شاید همه انسان‌ها داشته باشد. حالا که بعد از گذشت چند سال دوباره این کتاب را (با ترجمه آقای شهریار تقی شهرستانی) نگاه می‌کنم علاوه بر یادآوری آن پیام‌ها چیزهای دیگری هم به ذهنم می‌رسد.

به نظرم اولین پیام این کتاب و کتاب‌های مشابه آن این است که قدرت انسان نامحدود است و بخش اعظم این قدرت در حوزه‌ای قرار دارد که خارج از میدان شناخت ماست. رؤیاهای واقعی ما به واقعیت می‌پیوندند. تخیلاتی که در هماهنگی با کائنات داشته‌ایم، سرانجام به وقایع زندگی ما مبدل می‌شوند. وقوع معجزات و اعمال خارق‌العاده برای انسان و توسط انسان کاملاً ممکن و عملی است همان‌طور که قبل از این هم بارها و بارها اتفاق افتاده است. غیب و موضوعات مرتبط با غیب همگی، نه تنها وجود داشته و دارند بلکه در عصر جدید، این موضوعات اسراری به تدریج دارای مبانی علمی خواهند شد. عجیب نیست اگر بزرگ‌ترین معجزاتی که بشریت در تاریخ گذشته خود تجربه کرده است، در این زمان نیز شاهد آن و حتی شاهد اعمال بسیار بزرگ‌تر از آن باشد. بنابراین بزرگانی که توانایی اعمال بزرگ را دارند می‌توانند و

لازم است که به بشر امروز، از نظر ظرفیت و پذیرش، اعتماد بیشتری کنند و نشانه‌هایی از آن جهان اعظم را آشکار نمایند.

ایمان می‌تواند یک موضوع فراشخصی باشد. وقتی ایمان مبنایی علمی پیدا کند دیگر شخصی نیست بلکه یک واقعیت علمی است و با آن باید مانند سایر واقعیت‌های علمی رفتار کرد. و این کتاب برای ایمان ما به غیب، فرضیاتی علمی را ارائه می‌دهد...

در موضوعی مانند جهان‌های موازی هم به عنوان یکی از خطوط اصلی کتاب پیام‌های متعددی نهفته است. نباید مغرور شویم و شتابزده قضاوت کنیم زیرا آنچه می‌بینیم و آنچه ظاهراً هستیم، جزء بسیار کوچکی از واقعیت است پس بدون دیدن و آگاهی بر همه واقعیت نباید درباره آن قضاوت کنیم و نباید به کبر آلوده شویم از اینکه فلان هستیم و دیگران فلان نیستند.

و بهتر می‌توانیم بفهمیم که عدالت خداوند بسیار پیچیده است. پس اگر می‌گوییم خدا عادل است و بعد با فکر کوچکمان این عدالت را درک نمی‌کنیم نباید به خود حق دهیم که آن را زیر سؤال ببریم. چون عدالت خداوند، ابعاد بی‌شماری را در نظر می‌گیرد و حال آنکه ما فقط ابعاد انگشت‌شماری را می‌بینیم. با خواندن این کتاب و کتاب‌های اینچنین، لااقل دیگر نباید به خود اجازه بدهیم که از طرف علم و به عنوان سخنگوی علم به رد موضوعات متافیزیکی و امکانات ناشناخته انسان پردازیم زیرا هیچ کس نماینده علم نیست جز خود علم. حتی دانشمندان هم نمی‌توانند نماینده علم باشند چون حرف‌ها و نظرات آنها واحد نیست و در اکثر مواقع با یکدیگر تناقض دارد. کسی نمی‌تواند واقعیت‌های باطنی را منکر شود یا محکوم کند و به خیال خود راست گفته باشد اگر چه بعضی از پدیده‌های به ظاهر باطنی، چیزهایی مجازی و دروغ‌اند مانند انواع شعبده‌بازی‌ها اما همین اعمال شعبده‌بازی خود حکایت از واقعیت‌های دیگر دارند. شعبده‌بازی صورت مجازی و

ساختگی تجلیات قدرت باطنی انسان است. همان طوری که هر چیز واقعی ممکن است یک قرینه دروغین و غیر واقعی هم داشته باشد، قدرت های خارق العاده انسان و معجزات هم دارای چنین قرینه ای هستند. عرضه و فروش جواهرات غیر واقعی دلیلی بر رد جواهرات واقعی نیست بلکه بر عکس دلیلی است که جواهرات واقعی وجود دارد چون اگر چنین جواهرانی وجود نمی داشت، سعی نمی کردند تا شکل دروغین آن را بسازند و به بهای زیاد عرضه کنند.

و دومین پیام چنین کتاب ها و چنین مطالبی، به نظر من این است که جهان بسیار بسیار بزرگ تر از آن چیزیست که درباره اش فکر می کنیم پس خالق جهان هم بسیار بسیار بزرگ تر از افکاری است که درباره او داریم و این ما را نزدیک تر می کند (و البته نمی رساند) به معنای «الله اکبر» که «خداوند بزرگ تر از همه چیز است. بزرگ تر از همه مخلوقات و همه جهان هایش. چه جهان های موازی چه غیر موازی. خداوند از همه چیز و حتی از بزرگ ترین افکار و تصوراتی که ممکن است درباره او داشته باشیم بزرگ تر است، او حتی از بی نهایت هم بزرگتر است. بی نهایتی که انسان از آن سخن می گوید همراه با تصویری است که او از بی نهایت دارد. و این بی نهایت از خداوند کوچک تر است».

اما سومین پیام. به جای اینکه درباره سومین پیام چنین کتاب هایی و به ویژه این کتاب، حرفی بزنم ترجیح می دهم که به سؤال مهم تری بپردازم.

سؤالی که بعد از پذیرش این واقعیات به ذهن خطور می کند این است که راه دستیابی به چنین امکانات ناشناخته ای که در اختیار انسان است چیست و از چه طریقی می توان توان مندیهای خارق العاده باطنی را به کنترل درآورد؟ به نظرم جواب های زیادی برای پاسخگویی به این سؤال ممکن است وجود داشته باشد اما عملی ترین و زنده ترین جواب یک چیز است: ارتباط. ارتباطی که ممکن است از طریق عشق و ایمان

و تسلیم به وجود آید. ما با هر که در ارتباط باشیم از وجود او بهره‌مند می‌شویم، این طرف ارتباط هر کسی می‌تواند باشد. یک ذره، یک انسان یا خداوند در روح خود که از همه جهان‌ها بزرگ‌تر است و همه جهان (اگر خالی از حضور او باشد) به ذره‌ای از حضور او نمی‌ارزد. کامل‌ترین و عالی‌ترین جواب این است: ارتباط الهی، ارتباط با خداوند زنده و حاضری که در روح خود ساکن است.

پریا (شباب حسامی)

یکی شدن جهان‌ها آغاز شده است

راه‌هایی آشکار می‌شوند که اجازه می‌دهند حلقهٔ محدود آگاهی‌مان را شکسته و به خارج قدم بگذاریم.

آگاهی، کلیتی است در ماوراء فضا - زمان، چیزی که شاید از نظر ماهیت «من» حقیقی باشد. ما به این ادراک رسیده‌ایم که آگاهی و انرژی یکی هستند؛ اینکه تمامی فضا - زمان از آگاهی ساخته شده است؛ اینکه احساس و دریافت معمول ما از واقعیت، ترکیبی از تعدادی نامتناهی از جهان‌هاست که در آنها زیسته‌ایم؛ و اینکه آنچه از خود به عنوان خودمان درک می‌کنیم فقط نمایش متمرکزی از کلیت خود حقیقی‌مان است.

بنابراین همهٔ انرژی‌مان به بررسی آگاهی اختصاص می‌یابد و این یگانه راه است.

باب توین